



متن و ترجمه مناجات شعبانیه

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اسْمَعْ دُعَائِي إِذَا دَعَوْتُكَ وَ سَمِعْ

خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد و بشنو دعایم را هنگامی که تو را خوانم و بشنو

ندانی إذا ناديتُكَ وَ أَقْبِلْ عَلَيَّ إِذَا نَجَيْتُكَ فَقَدْ هَرَبْتُ إِلَيْكَ وَ وَقَفْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ

صدایم را هر گاه تو را صدا زدم و رو به من کن هرگاه با تو راز گویم زیرا من به سوی تو گریختم و پیش رویت ایستادم

مُسْتَكِينًا لَكَ مُتَضَرِّعًا إِلَيْكَ رَاجِيًا لِمَا لَدَيْكَ ثَوَابِي

در حال بیچارگی و فروتنی به درگاهت و امیدوارم ثوابم را که در پیش تو است

وَ تَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِي وَ تَخْبِرُ حَاجَتِي وَ تَعْرِفُ ضَمِيرِي وَ لَا يَخْفَى عَلَيْكَ أَمْرٌ مُنْقَلَبِي وَ مَثْوَايَ

و تو آنچه را من در دل دارم می دانی و حاجتم را آگاهی و از نهادم باخبری و سرانجام کار و سرمنزل من بر تو روشن است

وَ مَا أُرِيدُ أَنْ أُبَدِيَ بِهِ مِنْ مُنْطِقِي وَ اتَّقَوْهُ بِهِ مِنْ طَلِبَتِي وَ أَرْجُوهُ لِعَاقِبَتِي

و نیز آنچه را می خواهم از گفتارم بدان لب گشایم و آن طلبی را که می خواهم به زبان آرم و امید آنرا برای سرانجام کارم دارم

وَ قَدْ جَرَتْ مَقَادِيرُكَ عَلَيَّ يَا سَيِّدِي فِيمَا يَكُونُ مِنِّي إِلَى آخِرِ عُمْرِي

ای آقای من مقدرات تو بر من جاری گشته در آنچه از من تا آخر عمر سرزند

مِنْ سَرِيرَتِي وَ عَلَانِيَتِي وَ بَيْدِكَ لَا بَيْدَ غَيْرِكَ زِيَادَتِي وَ نَقْصِي وَ نَفْعِي وَ ضَرِّي

چه از کارهای پنهانم و چه آشکارم و بدست تو است نه به دست دیگری کم و زیاد شدن و سود و زیان من

إِلَهِي إِحْرَمْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَرْزُقُنِي وَ إِنْ خَدَلْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُنِي

خدایا اگر توام محروم کنی پس کیست که روزیم دهد و اگر تو خوارم کنی پس کیست که یاریم دهد

إِلَهِي أَعُوذُ بِكَ مِنْ غَضَبِكَ وَ خُلُولِ سَخَطِكَ

خدایا پناه برم به تو از خشم و فرو ریختن عذابت

إلهي إِنْ كُنْتُ غَيْرَ مُسْتَأْهِلٍ لِرَحْمَتِكَ فَأَنْتَ أَهْلٌ أَنْ تَجُودَ عَلَيَّ بِفَضْلِ سِعَتِكَ

خدایا اگر من شایستگی رحمت تو را ندارم ولی تو شایسته آنی که از زیاده بخششت به من احسان کنی

إلهي كَاتِي بِنَفْسِي وَإِقْفَاءَ بَيْنَ يَدَيْكَ وَقَدْ أَظْلَمْتُ حُسْنَ تَوَكُّلِي عَلَيْكَ فَقُلْتُ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَتَعَمَّدْتَنِي بِعَفْوِكَ

خدایا خود را چنان می نگرم که گویا در برابرت ایستاده و آن توکل نیکویی که بر تو دارم بر سر من سایه افکنده و تو نیز آنچه را شایسته آنی درباره من فرموده و مرا در سراپرده عفو خویش پوشانده ای

إلهي إِنْ عَفَوْتَ فَمَنْ أَوْلَى مِنْكَ بِذَلِكَ

خدایا اگر بگذری پس کیست که از تو بدین کار سزاوارتر باشد

وَإِنْ كَانَ قَدْ دَنَا أَجَلِي وَ لَمْ يُدْنِنِي مِنْكَ عَمَلِي فَقَدْ جَعَلْتَ الْإِقْرَارَ بِالذَّنْبِ إِلَيْكَ وَسَيْلَتِي

و اگر مرگم نزدیک شده و علم مرا به تو نزدیک نکرده من به ناچار قرار می دهم اقرار به گناه را وسیله خویش به درگاهت

إلهي قَدْ جُرْتُ عَلَى نَفْسِي فِي النَّظَرِ لَهَا فَلَهَا الْوَيْلُ إِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَهَا

خدایا من بر خویشتم ستم کردم در آن توجهی که بدان کردم پس وای بر او اگر نیامرزشی

إلهي لَمْ يَزَلْ بَرُّكَ عَلَيَّ أَيَّامَ حَيَاتِي فَلَا تَقْطَعْ بَرِّكَ عَنِّي فِي مَمَاتِي

خدایا پیوسته در دوران زندگی نیکی تو بر من می رسد پس نیکیت را در هنگام مرگ نیز از من مگیر

إلهي كَيْفَ آيَسُ مِنْ حُسْنِ نَظَرِكَ لِي بَعْدَ مَمَاتِي وَ أَنْتَ لَمْ تُؤَلَّنِي إِلَّا الْجَمِيلَ فِي حَيَاتِي

خدایا من چگونه مایوس شوم از اینکه پس از مرگ مورد حسن نظر تو واقع گردم در صورتی که در دوران زندگیم جز به نیکی سرپرستیم نکردی

إلهي تَوَلَّ مِنْ أَمْرِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَغَدَّ عَلَيَّ بِفَضْلِكَ عَلَى مُذْنِبٍ قَدْ عَمَرَهُ جَهْلُهُ

خدایا سرپرستی کن کار مرا چنانچه تو شایسته آنی و توجه کن بر من به فضل خویش که همچون گنهکاری هستم که نادانیش سراپا او را فرا گرفته

إلهي قَدْ سَتَرْتَ عَلَيَّ ذُنُوبًا فِي الدُّنْيَا وَ أَنَا أَحْوَجُ إِلَيْ سِتْرِهَا عَلَيَّ مِنْكَ فِي الْآخِرَةِ

خدایا پراستی تو گناهای را در دنیا بر من پوشانیدی که من به پوشاندن آنها در آخرت محتاج ترم

إِذْ لَمْ تُظْهِرْهَا لِأَخِي مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ

با اینکه آشکارش نکردی برای هیچیک از بندگان شایسته ات

فَلَا تَفْضَحْنِي يَوْمَ الْقِيَمَةِ عَلَى رُؤْسِ الْأَشْهَادِ

ای خدا پس در روز قیامت در برابر دیدگان مردم مرا رسوا مکن

إلهي جُودَكَ بَسَطَ أَمَلِي وَ عَفْوَكَ أَفْضَلُ مِنْ عَمَلِي

خدایا جود و بخششت آرزویم را گستاخ کرده و گذشتت تو برتر است از عمل من

إلهي فَسَرَّنِي بِلِقَائِكَ يَوْمَ تَفْضِي فِيهِ بَيْنَ عِبَادِكَ

خدایا مرا در آن روزی که میان بندگان دآوری کنی به دیدارت مسرور ساز

إلهي اغْتِدَارِي إِلَيْكَ اغْتِدَارٌ مَنْ لَمْ يَسْتَعْنِ عَنْ قَبُولِ عُذْرِهِ فَأَقْبَلْ عُذْرِي يَا أَكْرَمَ مَنْ اغْتَدَرَ إِلَيْهِ الْمُسِيئُونَ

خدایا عذرخواهی من به درگاهت عذرخواهی کسی است که بی نیاز نشده از پذیرفتن عذرش پس عذر مرا بپذیر، ای بزرگوارترین کسی که گنهکاران به درگاهش معذرت خواهی کنند

إلهي لا تردد حاجتي ولا تخيب طمعي ولا تقطع منك رجائي وأملی

خدایا حاجتم را باز مگردان و طمعم را به نومیدی مکشان و امید و آرزویم را از درگاہت قطع مفرما

إلهي لو أردت هواني لم تهديني ولو أردت فضيحتي لم تعافني

خدایا اگر خواری مرا خواسته بودی راهنمایم نمی کردی و اگر رسوانیم را می خواستی تندرستیم نمی دادی

إلهي ما أظنك تردني في حاجةٍ قد أفنيت عمري في طلبها منك

خدایا گمان ندارم که مرا بازگردانی در مورد حاجتی که عمر خویش را در خواستن آن از تو سپری کردم

إلهي فلك الحمد أبداً أبداً دائماً سرمداً يزيد ولا يبئ كما تحب وترضى

خدایا ستایش خاص توست ستایش ابدی جاویدان همیشگی که فزون شود ولی کم نگردد بدان نحو که دوست داری و خوشنود شوی

إلهي إن أخذتني بجزمي أخذتكم بعفوك وإن أخذتني ذنوبي أخذتكم بمغفرتكم

خدایا اگر مرا به جنایتم مأخوذ داری من هم تو را به عفو ت بگیرم و اگر به گناهم بگیري من هم تو را به آمرزش ت بگیرم

و إن أدخلتني النار أعلمت أهلها أنني أحيك

و اگر به دوزخم ببری بدوزخیان اعلام می کنم که من تو را دوست دارم

إلهي إن كان صغُر في جنب طاعتك عملي فقد كبر في جنب رجائك أملی

خدایا اگر عمل من در جنب اطاعت تو کوچک است ولی آرزویم در کنار امید تو بزرگ است

إلهي كيف أنقلب من عندك بالخيبة محروماً وقد كان حسن ظني بجدك أن تقلبني بالنجاة مرحوماً

خدایا چگونه من از پیش تو محروم برگردم با اینکه چنان حسن ظنی من به جود و بخشش ت داشتم که مرا مورد رحمت خویش قرار داده با نجات بازم خواهی گرداند

إلهي وقد أفنيت عمري في شربة السهو عنك وأبليت شبابي في سكرة التباغذ منك

خدایا من عمرم را در حرص غفلت از تو سپری کردم و جوانیم را در مستی دوری از تو از بین بردم و از اینرو

إلهي فلم أسنقظ أيام اعتراري بك ورؤوني إلى سبيل سخطك

خدایا بیدار نشدم در آن روزگاری که به کرم تو مغرور بودم و به راه خشم تو متمایل گشته بودم

إلهي وأنا عبدك وابن عبدك قائم بين يديك متوسل بكرمك إليك

خدایا من بنده تو و فرزند بنده توأم که در برابر ت ایستاده و به وسیله کرم ت توبه درگاہت توسل جویم

إلهي أنا عبد أتصل إليك مما كنت أواجهك به من قلة استحيائي من نظرك وأطلب العفو منك إذ العفو نعت لكرمك

خدایا من بنده ای هستم که می خواهم از آلودگی آنچه بدان با تو روبرو شدم از بی حیایی خودم در پیش روی تو خود را پاک سازم و از تو گذشت می خواهم زیرا گذشت وصف شناسای کرم ت است

إلهي لم يكن لي حول فانتقل به عن معصيتك

خدایا من آن نیرویی که بتوانم بوسیله آن خود را از نافرمانیت منتقل سازم ندارم

إلا في وقت أيقظتني لمحبتك وكما أردت أن أكون كنت فشكرتك

مگر در آن وقت که تو برای دوستیت بیدارم کنی و آن طور که خواهی باشم پس تو را سپاس گویم که مرا

بإذخالي في كرمك ولتطهير قلبي من أوساخ الغفلة عنك

در کرم خویش داخل کردی و دلم را از چرکیهای بی خبری و غفلت از خویش پاکیزه ساختی خدایا

إِلَهِي أَنْظِرْ إِلَيَّ نَظْرَ مَنْ نَادَيْتَهُ فَأَجَابَكَ وَ اسْتَعْمَلْتَهُ بِمَعُونَتِكَ فَاطَاعَكَ

خدایا به من بنگر نگریستن کسی که او را خوانده ای و او پاسخت داده و به یاری خویش به کارش واداشته ای و فرمانبریت کرده

يَا قَرِيبًا لَا يَبْعُدُ عَنِ الْمُغْتَرِّ بِهِ وَ يَا جَوَادًا لَا يَبْخُلُ عَمَّنْ رَجَا ثَوَابَهُ

ای نزدیکی که دور نگردی از آن کس که بدو مغرور گشته و ای بخشنده ای که بخل نورزد از آنکس که امید نیکیش دارد

إِلَهِي هَبْ لِي قَلْبًا يُدْنِيهِ مِنْكَ شَوْقُهُ وَ لِسَانًا يُرْفَعُ إِلَيْكَ صِدْقُهُ وَ نَظْرًا يُقَرِّبُهُ مِنْكَ حَقُّهُ

خدایا دلی به من بده که اشتیاقش به تو موجب نزدیکیش به تو گردد و زبانی که صدق گفتارش به سوی تو بالا آید و نظر حقیقت بینی که همان حقیقتش او را به تو نزدیک گرداند

إِلَهِي إِنَّ مَنْ تَعَرَّفَ بِكَ غَيْرُ مَجْهُولٍ وَ مَنْ لَادَ بِكَ غَيْرُ مَخْذُولٍ وَ مَنْ أَقْبَلَتْ عَلَيْهِ غَيْرُ مَمْلُوكٍ

خدایا کسی که بوسیله تو شناخته شد گمنام نیست و کسی که به تو پناهنده شد خوار نیست و کسی که تو بسویش رو کنی بنده دیگری نخواهد بود

إِلَهِي إِنَّ مَنْ نَتَهَجَّ بِكَ لِمُسْتَنْبِرٍ وَ إِنَّ مَنْ اغْتَصَمَ بِكَ لِمُسْتَجِيرٍ وَ قَدْ لُدْتُ بِكَ يَا إِلَهِي

خدایا براستی هر کس به تو راه جوید راهش روشن است و هر که به تو پناه جوید پناه دارد و من ای خدا به تو پناه آورده ام

فَلَا تُخَيِّبْ ظَنِّي مِنْ رَحْمَتِكَ وَ لَا تَحْجُبْنِي عَنْ رَأْفَتِكَ

پس گمانی را که به رحمتت دارم نومید مکن و از مهر خویش منعم مکن

إِلَهِي أَقْمِنِي فِي أَهْلِ وَ لَائِيكَ مَقَامَ مَنْ رَجَا الزَّيَادَةَ مِنْ مَحَبَّتِكَ إِلَهِي

خدایا جای مرا در میان دوستدارانت جای آن دسته از ایشان قرار ده که امید افزایش دوستیت را دارند

إِلَهِي وَ أَلْهَمْنِي وَلَهَا بِذِكْرِكَ إِلَى ذِكْرِكَ وَ هَمَّتِي فِي رَوْحِ نَجَاحِ أَسْمَائِكَ وَ مَحَلِّ قُدْسِكَ

خدایا در دلم اندازه شیدایی و شیفتگی ذکر خود را بیایی و همتم را در نشاط فیروز شدناسمانت و محل قدست قرار ده

إِلَهِي بِكَ عَلَيَّ إِلَّا الْأَحْقَنَتِي بِمَحَلِّ أَهْلِ طَاعَتِكَ وَ أَلْمَثَوَى الصَّالِحِ مِنْ مَرْضَاتِكَ

خدایا به حق خودت بر خودت سوگند که مرا به محل فرمانبرداریت جایگاه شایسته ای از مقام خوشنودیت برسانی

فَاتِي لَا أَقْدِرُ لِنَفْسِي دَفْعًا وَ لَا أَمْلِكُ لَهَا نَفْعًا

زیرا که من قادر بر دفع چیزی از خود نیستم و مالک سودی هم برایش نیستم

إِلَهِي أَنَا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ الْمُدْنِبُ وَ مَمْلُوكُكَ الْمُنِيبُ

خدایا من بنده ناتوان گنهکار تو و مملوک زاری و توبه کننده به درگاهت هستم

فَلَا تَجْعَلْنِي مِمَّنْ صَرَفَتْ عَنْهُ وَجْهَكَ وَ حَجَبَهُ سَهْوُهُ عَنْ عَفْوِكَ

پس مرا در زمره کسانی که روی از آنها گرداندی و غفلتشان مانع از گذشت تو گشته قرارم مده

إِلَهِي هَبْ لِي كَمَالَ الْإِنْقِطَاعِ إِلَيْكَ وَ أَيْزَ أَبْصَارِ قُلُوبِنَا بِضِيَاءِ نَظَرِهَا

خدایا بریدن کاملی از خلق بسوی خود به من عنایت کن و دیده های دلمان را به نور توجهشان

إِلَيْكَ حَتَّى تَحْرِقَ أَبْصَارَ الْقُلُوبِ حُجْبَ النُّورِ فَتَصِلَ إِلَى مَعْدِنِ

به سوی خود روشن گردان تا دیده های دل پرده های نور را پاره کند و به مخزن اصلی
الْعُظْمَةِ وَ تَصِيرَ أَرْوَاحَنَا مُعَلَّقَةً بِعِزِّ قُدْسِكَ

بزرگی و عظمت برسد و ارواح ما آویخته به عزت مقدست گردد

إِلَهِي وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ نَادَيْتَهُ فَأَجَابَكَ وَ لَاحِظْتَهُ فَصَبَقَ لَجَلَالِكَ فَنَاجَيْتَهُ سِرّاً وَ عَمِلَ لَكَ جَهراً

خدایا قرارم ده از کسانی که او را خواندی و پاسخت داد و در معرض توجه قرارش دادی و او در برابر جلال تو مدهوش
گشت و از این رو در پنهانی با او به رازگویی پرداختی ولی آشکارا برایت کار کرد

إِلَهِي لَمْ أُسَلِّطْ عَلَى حُسْنِ ظَنِّي قُنُوطَ الْأَيَّاسِ وَ لَا انْقَطَعَ رَجَائِي مِنْ جَمِيلِ كَرَمِكَ

خدایا به خوش بینی من ناامیدی را مسلط مکن و امیدم را که به کرم نیکویت دارم قطع مکن

إِلَهِي إِنْ كَانَتْ الْخَطَايَا قَدْ اسْقَطْنَتْنِي لَدَيْكَ فَاصْفَحْ عَنِّي بِحُسْنِ تَوَكُّلِي عَلَيْكَ

خدایا اگر خطاهایم مرا از نظرت انداخته پس بدان اعتماد خوبی که به تو دارم از من درگذر

إِلَهِي إِنْ حَطَّنِي الذُّنُوبُ مِنْ مَكَارِمِ لُطْفِكَ فَقَدْ نَبَّهْنِي الْيَقِينُ إِلَى كَرَمِ عَطْفِكَ

خدایا اگر گناهانم بواسطه بزرگواریهای لطفت مرا بی مقدار ساخته ولی در عوض یقین به بزرگ توجه تو مرا هشیار
کرده

إِلَهِي إِنْ أَنَامْتَنِي الْعَفْلَةَ عَنِ الْإِسْتِعْدَادِ لِلِقَائِكَ فَقَدْ نَبَّهْنِي الْمَعْرِفَةَ بِكَرَمِ الْآيَةِ

خدایا اگر بی خبری از آماده شدن برای دیدارت مرا به خواب فرو برده ولی در عوض معرفت به بزرگ نعمتهایت مرا
بیدار کرده

إِلَهِي إِنْ دَعَانِي إِلَى النَّارِ عَظِيمِ عِقَابِكَ فَقَدْ دَعَانِي إِلَى الْجَنَّةِ جَزِيلِ ثَوَابِكَ

خدایا اگر بزرگ کفرت مرا به دوزخ می خواند ولی در مقابل پاداش فراوانت مرا به بهشت دعوت می کند

إِلَهِي قَلَّكَ أَسْأَلُكَ وَ إِلَيْكَ أَبْتِهَلُ وَ أَرْغَبُ وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

خدایا پس از تو خواهم و بسوی تو زاری کنم و بگیریم و از تو خواهم که درود فرستی بر محمد و آل محمد

وَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ يُدِيمُ ذِكْرَكَ وَ لَا وَيَنْقُضُ عَهْدَكَ وَ لَا يَغْفُلُ عَنْ شُكْرِكَ وَ لَا يَسْتَخِفُّ بِأَمْرِكَ

و مرا از کسانی قرارم دهی که پیوسته به یاد توآند و پیمانانت را نمی شکنند و از شکر تو غافل نشوند و دستور تو را
سیک نشمارند

إِلَهِي وَ الْحَقُّنِي بِنُورِ عِرْكَ الْأَبْهَجِ فَأَكُونَ لَكَ عَارِفاً وَ عَنْ سِوَاكَ مُنْحَرِفاً

خدایا برسان مرا به نور درخشان عزتت تا عارف به ذاتت باشم و از غیر تو روگردان باشم

وَ مِنْكَ خَائِفاً مُرَاقِباً يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْأَكْرَامِ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

و از تو ترسان و نگران باشم ای صاحب جلالت و بزرگواری و درود خدا بر محمد

رَسُولِهِ وَ إِلَيْهِ الطَّاهِرِينَ وَ سَلَّمَ تَسْلِيماً كَثِيراً

پیامبرش و بر آل پاکش باد و سلام بسیار بر ایشان باد